###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**رئالیسم، مکاتب رئالیسم، و نقش آن در رشته های علمی مختلف**

چكيده

رئال (Real) در لغت به معنای واقعیت است و رئالیسم یعنی واقع نمایی. رئالیسم، مكتبی ادبی – هنری است كه در اواسط قرن نوزدهم میلادی یعنی در فاصله سال‌های 1850 – 1880 در اروپا و آمریكا رواج یافت.  این مكتب عكس العملی بود در مقابل مكتب رمانتیك. رمانتیك مكتبی درون گرا و ذهنی بود كه برای فرار از واقعیت اكنون، به دنیای گذشته پناه می‌برد كه البته این دنیای ساختگی غالباً مبنای واقعی نداشت، اما رئالیسم مكتبی عینی و بیرونی بود كه بر بیان واقعیت‌های جامعه تأكید بسیار داشت و معتقد بود كه آثار متكلفانه و دیرفهم مكتب‌های رمانتی‌سیسم و كلاسیسیم راه به جایی نمی‌برد و برای نشان دادن تصویر درستی از جامعه باید زبانی بی پیرایه و ساده را برگزید.   پایه‌گذاران اصلی رئالیسم در فرانسه نویسندگان و شاعران كم شهرتی بودند كه به طور صریح با مكتب رمانتیسیم مقابله می‌كردند. از جمله این افراد می‌توان به شامفلوری (chamflevry)، مورژه (murger) و دورانتی (Duranty) اشاره كرد. نخستین عرصه‌ای كه رئالیسم توانست در آن خودی نشان بدهد، هنر نقاشی بود و گوستاو كوربه (1819 – 1877 م) یكی از پیشگامان آن محسوب می‌شود.  بالزاك (Balzak) (1799 – 1850 م) نیز اولین كسی است كه با نوشتن رمان‌هایی در مجموعه «كمدی انسانی»، مسائل اجتماعی را به شكل جدی‌تری مطرح نمود. این رمان‌ها درباره زندگی قشر متوسط مردم فرانسه سخن می‌گفت. با وجود آنكه بالزاك قصد تشكیل مكتبی را نداشت، اما با نگارش این آثار به عنوان پیشرو نویسندگان رئالیست مطرح شد.   در انگلستان، جورج الیوت (George Eliot) و در آمریكا ویلیام دین هاولز (William Dean Howells) نیز مكتب رئالیسم را پایه‌گذاری كردند.  در مكتب رئالیسم، اصل بر این است كه نویسنده در اثر خود تخیل خود را چندان به كار نگیرد، بلكه با بی طرفی و به دور از هرگونه قضاوتی تنها راوی یك داستان باشد؛ داستانی درباره زندگی مردم رنج كشیده و ضعیف و كارگران و پیشه ورانی كه تا آن زمان در هنر و ادبیات توجه زیادی به آنها نشده بود. نویسندگان رئالیست می‌كوشیدند زندگی مردم زمان خود را به شكلی كاملاً عینی و واقعی در آثار خود منعكس كنند. رئالیست‌ها در واقع منتقدان اصلی جامعه خود بودند. آنها با نشان دادن مشكلات اجتماعی و فاصله طبقاتی میان مردم و پرده برداشتن از اعمال ناشایست طبقه اشراف، اعتراض خود را به هیات حاكم ابراز می‌داشنتد  رئالیست‌ها معتقد بودند كه دیگر ذائقه مردم شعر را نمی پسندد. به همین سبب، آنها زمان و داستان كوتاه را برای بیان افكار خود را برگزیدند.  این گونه بود كه شعر و عشق كه دو ركن اساسی مكتب رمانتیك بود، از دستور كار رئالیست‌ها خارج شد.   مهم‌ترین ویژگی آثار رئالیستی آن است كه انسان را به عنوان موجودی اجتماعی مطرح می‌كند و ریشه همه رفتارهای نیك و بد او را در اجتماع جست و جو می‌كند. بنابراین رمان نویسی كه در این مكتب قلم می‌زند، باید شناخت درستی از محیط اطراف خود داشته باشد. او باید بتواند با نفوذ به دنیای درون شخصیت‌ها، تصویر روشنی از آنها در پیش چشم مخاطب ترسیم نماید. قهرمانان رمان‌های رئالیستی غالباً از طبقه متوسط اجتماع برگزیده می‌شدند كه نماینده هم نوعان و هم فكران خود بودند.به سبب واقع‌گرایی و نیز پیوندی كه مكتب رئالیسم میان فرد و جامعه برقرار كرد، این مكتب هیچ گاه رونق خود را از دست نداد و به یك دوره خاص محدود نشد، بلكه در همه دوران‌ها هوادارانی برای خود كسب نمود.  یكی از نویسندگانی كه آثارش در پیشبرد اهداف رئالیست‌ها سهم بسزایی داشت، گوستاوفلوبر (Gustave Flavbert) (1821 – 1880 م) بود كه رمان «مادام بوواری» (Madam Bovary) را بر اساس یك ماجرای واقعی نوشت. این رمان توانست مخاطبان زیادی را در تمام دنیا جلب نماید.  به جز نویسندگان فرانسوی، نویسندگان دیگری در نقاط مختلف جهان ظهور كردند كه با آثار خود نقش مهمی در بیداری مردم داشتند. در انگلستان، چارلز دیكنز و جورج الیوت در ترویج مكتب رئالیسم مؤثر بودند. جان اشتاین بك، ارنست همینگوی (Ernest Hemingway) و توماس مان (Thomas Mann) نیز در آمریكا این مكتب را رونق بخشیدند. در روسیه، تورگینف (Turgenev)، لئوتولستوی (Leo Tolstoy)، داستایفسكی (Dostoyevsky) و ماكسیم گوركی (Maksim Gorkiy) آثاری در این حوزه پدید آوردند.